طعنه‌آمیز است که شرکت‌های سرمایه‌گذار خطرپذیر خود را به عنوان حامیان، تامین‌کنندگان مالی و حتی محرک‌های نوآوری معرفی می‌کنند، با این حال خود صنعت در ۲۰ سال گذشته هیچ نوآوری‌ای نداشته‌است

هستند، برخی می‌گویند که فعال هستند اما کمک بزرگی نیستند و برخی می‌گویند که کاری فراتر از نوشتن چک انجام نمی‌دهند. البته این گروه آخر لزوما بد نیست: برخی مدیران اجرایی ممکن است خوشحال باشند که از مشاوره صرف‌نظر کنند و فقط پول نقد را دریافت کنند اما برای بنیانگذارانی که این ایده را قبول کرده‌اند که سرمایه‌گذارخطرپذیرها کمک‌های ارزش افزوده زیادی ارائه می‌کنند، می‌تواند منبع ناامیدی بزرگی باشد.

بهترین راه برای تعیین این‌که آیا یک شرکت یا شریک سرمایه‌گذارخطرپذیر منابعی غیر از سرمایه را به میز می‌آورد یا خیر، این است که بررسی دقیق خود را انجام دهید، درست همان‌طور که یک بررسی مرجع کامل در مورد استخدام انجام می‌دهید. با مدیران عامل سایر شرکت‌های پرتفوی شرکت صحبت کنید و بپرسید که آیا شرکت در دسترس است یا خیر، چقدر به هیأت‌مدیره اضافه می‌کند و آیا مدیرعامل برای رسیدگی به مشکلات شرکت کمک سازنده دریافت کرده است.

برخی از سؤالاتی که باید مستقیما از شرکت سرمایه‌گذارخطرپذیر بپرسید، مانند: قصد دارد چه کسی را در هیأت‌مدیره شما قرار دهد؟ آیا آن شخص شریک است؟ آیا آن شخص تجربه (یا هر شرکت نمونه کار دیگری) در صنعت شما دارد؟ او در چند هیأت مدیره دیگر خدمت می‌کند؟ پرسیدن چنین سؤالاتی ممکن است منطقی به نظر برسد اما تکان‌دهنده است که چگونه تعداد کمی از بنیانگذاران شرکت قبل از ثبت‌نام برای یک رابطه طولانی‌مدت با سرمایه‌گذارخطرپذیر تماس‌های لازم را انجام می‌دهند. اگر بخشی از چیزی که یک شرکت را جذاب می‌کند ارائه تخصص، راهنمایی و خدمات باشد، کارآفرین باید تأیید کند که هم شرکت و هم شریک، سابقه ارائه آنها را دارند.

افسانه ۴: سرمایه‌گذارخطرپذیرها بازدهی دیدنی ایجاد می‌کنند

صندوق‌های سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذارخطرپذیر از اواخر دهه ۱۹۹۰ عملکرد قابل توجهی نسبت به بازارهای عمومی نداشته‌اند و از سال ۱۹۹۷ کمتر از سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران پول نقد به سرمایه‌گذاران سرمایه‌گذارخطرپذیر بازگردانده شده‌است.

ما تجربه بنیاد کافمن را در تجارت نزدیک به ۱۰۰ صندوق سرمایه‌گذارخطرپذیر طی ۲۰ سال تجزیه و تحلیل کردیم. ما متوجه شدیم فقط ۲۰ مورد سالانه ۳ تا ۵ درصد عملکرد بهتری نسبت به بازار داشتند. بدتر از آن، ۶۲ صندوق از ۱۰۰ صندوق نتوانستند بازده موجود از یک شاخص عمومی با سرمایه کوچک را شکست دهند.سرمایه‌گذاری‌های سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز عموما به عنوان پر خطر و با پاداش بالا تلقی می‌شوند. داده‌های گزارش ما نشان می‌دهد گرچه سرمایه‌گذاران در سرمایه‌گذارخطرپذیر کارمزد، نقدینگی و ریسک بالایی را متحمل می‌شوند اما به ندرت از بازدهی بالا سود می‌برند.

افسانه ۵: در سرمایه‌گذارخطرپذیر، بزرگ‌تر بهتر است

سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز در ایالات متحده در سال‌های اولیه برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی مانند اینتل، مایکروسافت و اپل قابل توجه بود. سال ۱۹۹۰، صد شرکت سرمایه‌گذارخطرپذیر به طور فعال سرمایه‌گذاری می‌کردند، با کمی کمتر از ۳۰ میلیارد دلار تحت مدیریت. در آن دوره سرمایه‌گذاری خطرپذیر بازدهی قوی و بالاتر از بازار ایجاد کرد و عملکرد با هر معیاری خوب بود. در اوج رونق اینترنت، در سال ۲۰۰۰، تعداد شرکت‌های فعال به بیش از ۱۰۰۰ شرکت افزایش یافت و دارایی‌های تحت مدیریت از ۲۲۰ میلیارد دلار فراتر رفت. در بسیاری از طبقات دارایی، زمانی که پول سرازیر شد، بازده کاهش یافت در حالی که سرمایه خطرپذیر هنوز بهبود نیافته‌است. تعداد بنگاه‌ها و مقدار سرمایه از زمان رونق کاهش یافت، اگرچه هر دو هنوز بسیار بالاتر از سطوح اولیه و میانه دهه ۱۹۹۰ بودند.

آنچه برای صنعت صادق است برای صندوق‌های فردی نیز به کار می‌رود: بزرگ‌تر بهتر نیست. بنیانگذاران شرکت اغلب احساس می‌کنند امضای قرارداد با یک شرکت بزرگ سرمایه‌گذارخطرپذیر باعث پیروزی می‌شود، درست همان‌طور که دانشجویان MBA ممکن است از پیشنهاد شغلی توسط یک کارفرمای بزرگ و معروف لذت ببرند.

اما مطالعات صنعتی و دانشگاهی نشان می‌دهد با افزایش اندازه صندوق به بالای ۲۵۰میلیون دلار، عملکرد صندوق کاهش می‌یابد. ما دریافتیم صندوق‌های سرمایه‌گذارخطرپذیر بزرگ‌تر از ۴۰۰ میلیون دلار در سبد کافمن معمولا بازدهی جذابی ارائه نمی‌کنند؛ فقط چهار مورد از ۳۰ صندوق عملکردی بهتر از صندوق‌های شاخص سهام‌دار سهام عمومی دارند.





صندوق‌های سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذارخطرپذیر از اواخر دهه ۱۹۹۰ عملکرد قابل توجهی نسبت به بازارهای عمومی نداشته‌اند و از سال ۱۹۹۷ کمتر از سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران پول نقد به سرمایه‌گذاران سرمایه‌گذارخطرپذیر بازگردانده شده‌است

افسانه ۶: سرمایه‌گذارخطرپذیر مبتکر است

طعنه‌آمیز است که شرکت‌های سرمایه‌گذارخطرپذیر خود را به عنوان حامیان، تامین کنندگان مالی و حتی محرک‌های نوآوری معرفی می‌کنند، با این حال خود صنعت در ۲۰ سال گذشته هیچ نوآوری‌ای نداشته‌است. سرمایه‌های مخاطره‌آمیز در طول زمان شاهد تغییرات زیادی بوده‌است - وجوه بیشتر، پول بیشتر، سرمایه‌های بزرگ‌تر، بازدهی رو به کاهش - اما هرگونه نوآوری در تامین مالی استارت‌آپ‌ها، مانند تامین مالی جمعی و پلتفرم‌هایی مانند AngelList و SecondMarket، از خارج از صنعت سرمایه‌گذارخطرپذیر آمده‌است.

داستان سرمایه‌گذاری خطرپذیر در حال تغییر است. کارآفرینان انتخاب‌های بیشتری برای تامین مالی شرکت‌های خود دارند و توازن تاریخی قدرت را که مدت‌هاست به سمت سرمایه‌گذارخطرپذیرها متمایل شده‌است، تغییر می‌دهند. وقتی کارآفرینان در مذاکره با سرمایه‌گذارخطرپذیرها از صندلی عقب به سمت صندلی راننده حرکت می‌کنند، از زاویه‌دید متفاوتی لذت خواهندبرد.

سرمایه گذاری مخاطره آمیز (VC) نوعی تامین مالی است که سرمایه گذاران به شرکت های نوپا و کسب و کارهای کوچکی که تصور می شود پتانسیل رشد بلندمدت دارند ارائه می کنند. سرمایه گذاری خطرپذیر عموماً از سرمایه گذاران ثروتمند، بانک های سرمایه گذاری و سایر مؤسسات مالی تأمین می شود. با این حال، همیشه شکل پولی ندارد. همچنین می تواند در قالب تخصص فنی یا مدیریتی ارائه شود.

سرمایه مخاطره‌پذیر معمولا به شرکت‌های کوچک با پتانسیل رشد استثنایی، یا به شرکت‌هایی که به سرعت رشد کرده‌اند و به نظر می‌رسد آماده ادامه گسترش هستند، تخصیص می‌یابد. برای شرکت‌های جدید یا سرمایه‌گذاری‌هایی که سابقه عملیاتی محدودی دارند (زیر دو سال)، سرمایه‌گذاری خطرپذیر به طور فزاینده‌ای به یک منبع محبوب - حتی ضروری - برای جمع‌آوری پول تبدیل می‌شود، به خصوص اگر دسترسی به بازارهای سرمایه، وام‌های بانکی یا سایر ابزارهای بدهی نداشته باشند

در یک معامله سرمایه گذاری خطرپذیر، بخش های بزرگ مالکیت یک شرکت ایجاد می شود و از طریق مشارکت‌های محدود مستقل که توسط شرکت‌های سرمایه گذاری مخاطره‌آمیز ایجاد می شود، به تعدادی سرمایه گذار فروخته می شود. گاهی اوقات این مشارکت‌ها شامل مجموعه‌ای از چند شرکت مشابه است. با این حال، یکی از تفاوت های مهم بین سرمایه گذاری خطرپذیر و سایر معاملات سهام خصوصی این است که سرمایه گذاری خطرپذیر تمایل دارد بر شرکت های نوظهور متمرکز شود که برای اولین بار به دنبال منابع مالی قابل توجه هستند، در حالی که سهام خصوصی تمایل به تامین مالی شرکت های بزرگتر و معتبرتری دارد که به دنبال تزریق سهام یا سرمایه گذاری هستند.